

# فرهنگ فارسی

شامل لغات ادبی، ریاضی، نجومی، پزشکی، طبیعی، اقتصادی، فقهی، حقوقی،  
فلسفی، هنری، ورزشی، نظامی و موارد مربوط به پیشه‌های مختلف  
(اعم از لغات فصیح و عامیانه) با ذکر اصل و ریشه لغات  
و هویت دستوری و مترادف و متضاد  
«یک جلدی»

آ-ی

تألیف: دکتر محمد معین

استاد ممتاز دانشگاه تهران

به‌اهتمام: عزیزالله علیزاده

معین، محمد، ۱۲۹۱-۱۳۵۰.

فرهنگ فارسی: شامل لغات ادبی، ریاضی، نجومی، پزشکی،... یک جلدی آ-ی/تألیف محمد معین،  
به اهتمام عزیزالله علیزاده. -تهران: اشجع، ۱۳۸۵.

ISBN:964-96874-1-6

۱۳۴۰ص. مصور، عکس.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عنوان روی جلد: کاملترین فرهنگ فارسی در دستان شماس. فرهنگ فارسی معین (یک جلدی).  
کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران مختلف منتشر شده است.

ص.ع. به انگلیسی (A-Y): Mohammad Moin, Persian Dictionary, one vol.

بین صفحات ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ کتاب حاضر، ۱۶ صفحه تصویر و عکس می باشد.

۱. فارسی - واژه نامه هـ. الف. علیزاده، عزیزالله، ۱۳۲۶ - ب. عنوان. ج. عنوان: کاملترین فرهنگ فارسی  
در دستان شماس: فرهنگ فارسی معین شامل...

۴۶۳

PIR2۹۵۴/م/۶۰۱۶

۱۳۸۵



نشر ندآ

با همکاری



تهران، بزرگراه رسالت، مجیدیه شمالی، خیابان برادران محمودی، پلاک ۱۷۸

تلفکس: ۲۲۵۱۲۸۳۴

## فرهنگ فارسی (یک جلدی)

استاد دکتر محمد معین

تألیف

عزیرالله علیزاده

به اهتمام

اشجع

ناشر

۵۰۰۰ نسخه

تیراژ

اول - ۱۳۸۵

چاپ

بهاره اشجع

ناظر چاپ

۸۰۰۰ تومان

بها

ISBN:964-96874-1-6

شابک: ۹۶۴-۹۶۸۷۴-۱-۶

همه حقوق محفوظ است.

عکسهای استاد معین برگرفته شده از کتاب «کارنامه دکتر معین» تألیف عبدالله نصری، انتشارات

امیرکبیر است.

## بنام خدا

محمد معین<sup>(۱)</sup> فرزند شیخ ابوالقاسم و طاعت بود. او در تاریخ ۱۲۹۷/۲/۹ ه.ش (برابر با ۱۷ رجب ۱۳۳۶ ه.ق) در رشت به این دنیا آمد و در ۱۳۵۰/۴/۱۳ ه.ش در ۵۳ سالگی در بیمارستان فیروزگر تهران از این دنیا رفت. جسمش را در کنار حشمت‌رود شهر آستانه اشرفیه‌ی گیلان به خاک سپردند.

زندگی شخصی محمد معین بسیار پر مشقت و دردناک بود: در شب چهاردهم و صبح نوزدهم شعبان سال ۱۳۳۸ ه.ق (۱۲۹۹ ه.ش) یعنی به فاصله ۵ روز ابتدا مادر و بعد هم پدرش فوت شدند. با این وضع جد پدرش یعنی شیخ محمد تقی معین‌العلما سرپرستی نوه‌اش را به عهده گرفت. ایشان نیز در روز پنج‌شنبه ۱۳ رجب سال ۱۳۴۹ ه.ق (۱۳۱۰ ه.ش) محمد ۱۳ ساله را تنها گذاشت و به دیار باقی شتافت.

### ۱- تحصیلات:

محمد معین در سال ۱۳۰۴ دوره ابتدایی را در دبستان اسلامی و در سال ۱۳۰۷ دوره‌ی اول متوسطه را در دبیرستان نمره یک (بعدها شاهپور) رشت به پایان رسانید. او توانست تا سال ۱۳۱۰ دوره‌ی دوم متوسطه را نیز در دارالفنون تهران تمام کرده و مدرک دیپلم را دریافت نماید. وی برای تحصیلات دانشگاهی در همان سال وارد دانشسرای عالی ادبیات و فلسفه تهران شد و تا سال ۱۳۱۳ موفق گردید با نگارش رساله‌ای به زبان فرانسه درباره «لوکنت دولیل»<sup>(۲)</sup>، درجه لیسانس را در ۱۶ سالگی دریافت نماید. وی در طول سال‌های ۱۳۱۴-۱۳۱۸ در حین تدریس در اهواز توانست دوره‌ی روان‌شناسی عملی، خط‌شناسی، قیافه‌شناسی و مغزشناسی را بصورت مکاتبه‌یی در آموزشگاه روان‌شناسی بروکسل بلژیک بگذراند و تصدیق‌نامه آن دوره را اخذ نماید. محمد معین در سال ۱۳۱۸ تحصیل در رشته ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران آغاز کرد و در سال ۱۳۲۱ یعنی در ۲۴ سالگی موفق شد دوره دکتری ادبیات فارسی را به پایان برساند. از رساله‌ی دکتریش با عنوان «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی» در روز سه‌شنبه ۱۳۲۱/۶/۱۷ دفاع نمود و توانست به عنوان اولین تحصیل‌کرده‌ی دکتری ادبیات در ایران نمره‌ی «بسیار خوب» را کسب نماید. این در حالی بود که در آن جلسه‌ی دفاعیه اساتید برجسته‌ای همچون ملک‌الشعراء بهار، ابراهیم پورداود، تدین و

۱- فامیلی «معین» را جدش در سال ۱۳۰۵ (که اداره‌ی احصائیه در رشت افتتاح شد)، برگزید.

۲- شاعر و نویسنده فرانسوی ۱۸۱۸-۱۸۴۹ میلادی.

## ۲- اشتغال و ازدواج:

محمد معین بعد از اخذ درجه لیسانس؛ در سال ۱۳۱۴ برای گذراندن خدمت سربازی به دانشکده‌ی افسری رفت. با اتمام آن دوره‌ی احتیاط شش ماهه، در پاییز همان سال برای تدریس در دبیرستان شاهپور به اهواز سفر کرد. او بعد از حدود سه ماه (یعنی در دی ماه) به عنوان ریاست دانشسرای شبانه‌روزی اهواز منصوب شد. وی در طول مدت اقامت ۴ ساله‌اش در خوزستان ضمن تدریس؛ عضو تحقیق اداره اوقاف بوده و ریاست پیشاهنگی و تربیت بدنی استان ششم را نیز بر عهده داشت. در ۱۳۱۸ از اهواز به تهران منتقل شد و پست معاونت دانشسرای مقدماتی و دبیری دانشسرای عالی تهران به ایشان واگذار شد. بعد از اخذ مدرک دکتری به عنوان استاد کرسی «تحقیق در متون ادبی» در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و استاد در دانشسرای عالی مشغول تحقیق و تدریس شد. محمد معین از سال ۱۳۲۴ با مرحوم علامه علی اکبر دهخدا برای نگارش لغت‌نامه شروع به همکاری نمود که بعدها ریاست سازمان لغت‌نامه را بر عهده گرفت. ایشان چندین سال نیز عضو شورای عالی فرهنگ ایران بود.

محمد معین در سال ۱۳۲۱ ه.ش با دختر آقای امیرجاهد رشتی (مدیر سالنامه پارس) ازدواج کرد. ثمره‌ی این وصلت چهار فرزند (۲ دختر و ۲ پسر) می‌باشد.

## ۳- کتاب‌ها و آثار فرهنگی دکتر محمد معین:

### الف - تألیفات:

- ۱- ستاره ناهید یا داستان خرداد و امرداد .. تهران .. ۱۳۱۶.
- ۲- حافظ شیرین سخن .. تهران .. ۱۳۱۹.
- ۳- یوست فریان و مرزبان‌نامه (به فارسی و روسی) .. تهران .. ۱۳۲۲.
- ۴- یادنامه پورداود (با جمعی از نویسندگان) .. تهران .. ۱۳۲۵.
- ۵- مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی .. تهران .. ۱۳۲۶.
- ۶- اسم مصدر - حاصل مصدر .. تهران .. ۱۳۳۱.
- ۷- برگزیده شعر فارسی (دوره‌های طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل بویه) .. تهران .. ۱۳۳۱.
- ۸- قاعده‌های جمع در زبان فارسی .. تهران .. ۱۳۳۱.
- ۹- اضافه .. تهران .. ۱۳۳۲.
- ۱۰- برگزیده نثر فارسی (دوره‌های سامانیان و آل بویه) (جلد اول) .. تهران .. ۱۳۳۲.
- ۱۱- مفرد و جمع .. تهران .. ۱۳۳۷.

- ۱۲ - تحلیل هفت پیکر نظامی .. تهران ۱۳۳۸.
- ۱۳ - اسم جنس - معرفه نکره .. تهران .. ۱۳۴۱.
- ۱۴ - فرهنگ فارسی (متوسط) (۶ جلدی) .. تهران .. ۱۳۴۲.

### ب - تصحیحات:

- ۱ - برهان قاطع محمدحسین بن خلف تبریزی .. تهران .. ۱۳۳۰.
- ۲ - دانشنامه علائی ابن سینا .. (به همراه سید محمد مشکوة) .. تهران .. ۱۳۳۱.
- ۳ - چهار مقاله احمد بن عمر نظامی عروضی .. تهران .. ۱۳۳۱.
- ۴ - جامع الحکمتین ناصر خسرو .. (همراه هنری کربن) .. تهران .. ۱۳۳۲.
- ۵ - شرح قصیده فارسی خواجه ابوالهیثم (منسوب به محمد بن سرخ نیشابوری) .. (همراه هنری کربن) .. تهران .. ۱۳۳۴.
- ۶ - مجموعه اشعار دهخدا .. تهران .. ۱۳۳۴.
- ۷ - جوامع الحکایات و لوامع الروایات سدیدالدین محمد عوفی .. تهران .. ۱۳۳۵.
- ۸ - عبرالعاشقین روزبهان بقلی شیرازی .. (همراه هنری کربن) .. تهران .. ۱۳۳۷.
- ۹ - حواشی بر اشعار خاقانی شروانی .. تهران .. ۱۳۵۸.

### ج - ترجمه ها:

- ۱ - روان شناسی تربیتی از کتاب «علم النفس و آثاره فی التریة و التعلیم» تألیف علی الجارم و مصطفی امین .. اهواز .. ۱۳۱۶.
- ۲ - کتیه های پهلوی (ترجمه از انگلیسی به فارسی) تألیف W.B.Henning
- ۳ - خسروکوتان و ریدک وی (ترجمه از پهلوی به فارسی)
- ۴ - ایران از آغاز تا اسلام تألیف دکتر رومن گیرشمن فرانسوی (از فرانسه به فارسی) .. تهران .. ۱۳۳۶.

در سال های ۱۳۳۴-۱۳۴۵ ه.ش جزوه های لغت نامه علامه علی اکبر دهخدا با نظارت و سرپرستی علمی و اداری دکتر محمد معین چاپ و منتشر می شد.

دکتر محمد معین در روزنامه ها و مجلات داخلی و خارجی بسیاری از قبیل «ایران مهر، سخن، آموزش و پرورش، یغما، یادگار، دانش، اطلاعات هفتگی، اطلاعات ماهانه، فرهنگ (مشهد)، ایران لیگ (بمبئی)، روزگار نو (لندن)، اشتار (پاریس)، آهنگ (دهلی)، آریانا (کابل) و ...» همکاری داشت و مقالات و نتایج تحقیقاتش عمدتاً با موضوعاتی مانند «ادبیات فارسی، تاریخ ادبیات، آثار باستانی، تاریخ ایران قبل و بعد از اسلام، علوم تربیتی و ...» در آنها به چاپ می رسید.

### ۴ - مسافرت ها:

- ۱ - در تابستان سال ۱۳۳۳ به دعوت دانشگاه هاروارد به آمریکا سفر کرد. در مسیر

- مراجعت در کتابخانه‌ها و موزه‌های لندن و پاریس کاوش‌هایی نمود.
- ۲- در تابستان ۱۳۳۶ برای شرکت در کنگره‌ی خاورشناسان به مونیخ آلمان رفت. در این سفر چند روزی نیز در سوئیس اقامت داشت.
- ۳- در آذر ماه ۱۳۳۶ به دعوت دانشگاه و آکادمی مسکو و لنینگراد و باکو به شوروی مسافرت نمود.
- ۴- در دی ماه ۱۳۳۶ برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی اسلامی به پاکستان سفر نمود و در باب «صلح در نظر جلال‌الدین مولوی» سخنرانی کرد.
- ۵- در فروردین ۱۳۳۷ به دعوت انجمن تبهات علمی پاریس به فرانسه رفت و حدود شش ماه در آنجا اقامت نمود.
- ۶- در مهر ماه ۱۳۳۷ به عنوان ممتحن خارجی دانشگاه پنجاب برای مطالعه و اظهار نظر در باب رساله‌های دکتری آن دانشگاه به پاکستان رفت.
- ۷- در مرداد ماه ۱۳۳۸ بر شرکت در بیست و پنجمین کنگره بین‌المللی مستشرقین به همراه هیأتی از سوی دانشگاه تهران به مسکو رفت.
- ۸- در سال ۱۳۳۹ برای مراسم افتتاحیه‌ی کرسی زبان و ادبیات فارسی به دعوت دولت فرانسه به دانشگاه استراسبورگ رفت.
- ۹- در اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ برای ایراد سخنرانی به دعوت شخصیت‌های علمی و فرهنگی به فرانسه سفر کرد و به مدت سه ماه در آنجا اقامت نمود.
- ۱۰- در سال ۱۳۴۲ به دعوت دانشگاه پرینستون به آمریکا رفت و حدود پنج ماه در آنجا اقامت نمود. در مسیر بازگشت مدتی هم هر چند کوتاه در فرانسه ماند.
- ۱۱- و بلاخره در پاییز سال ۱۳۴۵ به ترکیه مسافرت نمود.
- ۵- **نشان‌ها و افتخارات اهدایی به دکتر محمد معین:**
- ۱- نشان درجه سوم علمی در سال ۱۳۱۶.
  - ۲- نشان درجه دوم علمی در سال ۱۳۲۱.
  - ۳- نشان درجه دوم سپاس در سال ۱۳۲۷.
  - ۴- نشان لژیون دونور.
  - ۵- دریافت جایزه‌ی Tamhour در سال ۱۳۳۲.
  - ۶- دریافت نشان «هنر و ادبیات» از دولت فرانسه در سال ۱۳۴۰.
  - ۷- دریافت نشان Ordre des Palmes Académiques از ژنرال دوگل رئیس‌جمهور فرانسه.

هرگز ننمید آنکه دلش زنده شد به عشق      ثبت است بر جریده عالم دوام ما  
دکتر محمد معین در آذر ماه سال ۱۳۴۶ در بستر بیماری افتاد. در مرداد ماه سال

بعد برای مداوا به کانادا اعزام شد اما پنج ماه بعد بدون هیچ گونه نتیجه مثبتی به ایران برگردانده شد. سرانجام در تاریخ ۱۳۵۰/۴/۱۳ فوت شده و بسیار غریبانه از تهران تشییع و به زادگاهش یعنی گیلان اعزام و در شهر آستانه اشرفیه به خاک سپرده شد.

زبان فارسی؛ زبان رسمی ایران، زبان اول جهان تشیع و زبان دوم جهان اسلام است. بی شک فرهنگ فارسی استاد محمد معین، زبان فارسی را مستحکمتر نموده و از فروپاشی آن در مقابل هجوم فرهنگ‌های بیگانه جلوگیری می‌کند.

اولاً با توجه به قیمت، بسیاری از خوانندگان بخصوص دانشجویان که نمی‌توانند فرهنگ شش جلدی را بخرند، ثانیاً اکثر خوانندگان نیازی به تمام فرهنگ شش جلدی ندارند زیرا فقط عده‌ی محدودی از اهل فن هستند که گاهی نیاز به اصطلاحاتی پیدا می‌کنند که در فرهنگ یک جلدی نیست و ثالثاً خواسته‌ی خود آن استاد همانطور که در مقدمه نوشته‌اند، مرا بر آن داشت که اقدام به این کار نمایم.

بعد از مشورت با خبرگان، به این نتیجه رسیدم که کاری است لازم و شدنی اما بسیار حساس و مشکل. صحبت‌ها و نظریاتی رد و بدل شد و بر اساس آنها تصمیم گرفته شد که معیار انتخاب اصطلاحات، فرهنگ‌های یک جلدی دیگر باشد یعنی اصطلاحات فرهنگ‌های یک جلدی را برداشته و معاینی که استاد معین برایشان نوشته است، معیار کار باشد. بر همین اساس، حروفچینی نیز شد اما در مرحله تصحیح؛ این نظر شکست خورد زیرا اصطلاحات بسیار زیاد دیگری نیز فرهنگ معین داشت که واقعاً حیفم می‌آمد نوشته نشود. از سوی دیگر تعداد صفحات کتاب نیز می‌بایست در حد متعارفی باشد. در این گیرودار بر آن شدم که تعداد سطرهای یک صفحه بیشتر و اندازه‌ی قلم حروفچینی نیز ریزتر شود تا جا برای اصطلاحات بیشتری باشد. امیدوارم با همه‌ی کاستی‌هایی که دارد، مقبول افتد و البته به امید آنکه در ویرایش‌های بعدی از معایب آن کاسته شود.

در آخر از همه کسانی که برای انجام این فعالیت، دست طلب باریم را فشردند، صمیمانه تشکر. در همین راستا شایسته است از جناب آقای جواد یاسینیان مدیر محترم انتشارات فردوس و آقای محمود رضاخانی مدیر محترم نشر ندا که زحمت چاپ و انتشار این اثر را متقبل شدند، سرکار خانم کلثوم قدیری که همواره در تصحیح متن حروفچینی شده سعی و تلاش زیادی نمودند و آقای محمد فاضل معین قدردانی نمایم. دست‌مریزاد.

عزیرالله علیزاده

آستانه اشرفیه‌ی گیلان

پاییز ۱۳۸۱

# ۱ - نشانه‌های اختصاری مربوط به زبان‌ها، نکات دستوری، شعب علوم...:

|          |                   |                    |            |
|----------|-------------------|--------------------|------------|
| آرا.     | آرامی             | ج.                 | جمع        |
| ا.       | اسم               | ج.                 | جمع        |
| ا.آ.     | اسم آلت           | ج.ا.               | جانورشناسی |
| ا.ت.     | اتباع (مهمل)      | ج.ج.               | جمع الجمع  |
| ا.ح.ن.ج. | احکام نجوم        | ج.ع.               | جمع عملی   |
| ا.خ.     | اسم خاص           | ج.ف.               | جغرافی     |
| ا.خ.     | اخلاق             | ج.ا.               | چاپ        |
| ا.د.     | ادب، ادبیات       | ج.ا.پ.             | چاپخانه    |
| ا.س.ت.   | اوستایی           | ح.ا.               | حال        |
| ا.ش.     | اشاره (اسم، ضمیر) | ح.ا.م.ص.           | حاصل مصدر  |
| ا.ص.     | اصول              | ح.د.               | حدیث       |
| ا.ص.ت.   | اسم صوت           | ح.ر.               | حرف        |
| ا.ص.ط.   | اصطلاحاً          | ح.س.               | حساب       |
| ا.ض.     | اضافه             | ح.س.ا.             | حسابداری   |
| ا.فا.    | اسم فاعل          | ح.ق.               | حقوقی      |
| ا.ف.ع.   | اسم فعل           | خ.ا.ت.             | خاتم کاری  |
| ا.ق.ت.   | اقتصادی           | خ.ط.ا.             | خطاطی      |
| ا.م.ر.   | اسم مرکب          | خ.ف.               | خرافات     |
| ا.م.ص.   | اسم مصدر          | خ.م.               | مرخم       |
| ا.م.ف.   | اسم مفعول         | خ.یا.              | خیاطی      |
| ا.م.ک.   | اسم مکان          | د.س.               | دستور      |
| ا.ن.گ.   | انگلیسی           | ر.ب.               | ربط (حرف)  |
| باز.     | بازرگانی          | ر.س.               | روسی       |
| ب.ا.س.   | باستانشناسی       | ر.ض.               | ریاضی      |
| ب.ا.ن.ک. | بانکداری          | ر.ک.               | رجوع کنید  |
| ب.ع.     | بدیع              | ر.و.ا.ت.           | روانشناسی  |
| ب.ن.     | بیان (علم)        | ر.ی.               | ریشه       |
| ب.ن.ا.   | بنایی             | ز.ب.ا.ن.           | زیان‌شناسی |
| پ.ب.     | پارسی باستان      | ز.م.               | زمین‌شناسی |
| پ.ز.     | پزشکی             | س.                 | سطر        |
| پ.س.     | پسوند             | س.ر.               | سریانی     |
| پ.ش.     | پیشوند            | س.ن.س.             | سنسکریت    |
| پ.ش.ف.   | پیشوند فعل        | س.یا.              | سیاست      |
| پ.ه.     | پهلوی             | س.ی.ن.ا.           | سینما      |
| ت.د.     | تشبه              | ش.ر.ع.             | شرعیات     |
| ت.ج.     | تجوید             | ش.ه.               | شعر        |
| ت.د.     | تداول             | ش.ی.م.             | شیعی       |
| ت.ر.     | ترکی              | ص.                 | صفحه       |
| ت.ص.     | تصوف              | ص. (در مورد دستور) | صفت        |
| ت.فس.    | تفسیر (قرآن)      | ص. ت.ف.ض.          | صفت تفضیلی |
| ت.ف.     | تقویم             | ص. ش.غ.ا.          | صفت شغلی   |

|                                 |                  |         |                         |
|---------------------------------|------------------|---------|-------------------------|
| ص. فا.                          | صفت فاعلی        | متر.    | مترک (ترکی شده)         |
| ص. لیا.                         | صفت لیاقت        | مجز.    | مجازاً                  |
| ص. نسب.                         | صفت نسبی         | مجس.    | مجسمه سازی              |
| صد.                             | صوت              | محر.    | محرّف                   |
| صحا.                            | صحافی            | مخف.    | مخفف                    |
| صر.                             | صرف (تصریف)      | مر.     | مرکب                    |
| ضح.                             | توضیح            | مس.     | موسیقی                  |
| ضم.                             | ضمیر             | مص.     | مصدر                    |
| طبر.                            | طبری             | مصل.    | مصدر لازم               |
| طبی.                            | طبیعی            | مصم.    | مصدر متعدی              |
| ظ.                              | ظاهراً           | مصح.    | مصحف                    |
| ع.                              | عربی             | مصغ.    | مصغر                    |
| عبر.                            | عبری             | م. عا.  | م. عانی (علم)           |
| عر.                             | عروض             | م. عرب. | م. عرب                  |
| عم.                             | عامیانه          | م. عم.  | م. عماری                |
| غفص.                            | غیر فصیح         | مغ.     | مغولی                   |
| غم.                             | غیر مستعمل       | ملا.    | م. معمول (م. معمولی)    |
| ف.                              | فارسی            | مفر.    | مفرس (فارسی شده)        |
| فر.                             | فرانسوی          | مقد.    | مقابل                   |
| فره.                            | فرهنگستان        | مک.     | مکان (اسم)              |
| فز.                             | فیزیک            | مکد.    | مکانیک                  |
| فعل.                            | فعل              | منطق.   | منطق                    |
| فقه.                            | فقه              | می.     | میان و نند (حرف واسطه)  |
| فلا.                            | فلسفه            | مینیا.  | مینیا تور               |
| ق.                              | قید (دستوری)     | نث.     | نؤث                     |
| قا.                             | قافیه            | نجم.    | نجوم                    |
| قد.                             | قدیم             | نجا.    | نجاری                   |
| قر.                             | قرن              | نسب.    | نسبت (اسم یا صفت منسوب) |
| قرز.                            | قروینی (لهجه)    | نظ.     | نظامی                   |
| قس.                             | قیاس کنید        | نقد.    | نقاشی                   |
| قضا.                            | قضایی            | نقد.    | نقود (مسکوکات)          |
| کر.                             | کردی             | نم.     | نمایش، نمایشنامه        |
| کشا.                            | کشاورزی          | نو.     | نو، مستحدث (لغت)        |
| کلا.                            | کلام (علم)       | ور.     | ورزش                    |
| کم.                             | کم است عمال      | ه.      | هجری                    |
| کن.                             | کنایه            | هس.     | هندسه                   |
| کیم.                            | کیمیا            | ه. ق.   | هجری قمری               |
| گیا.                            | گیاه شناسی       | ه. ش.   | هجری شمسی               |
| گیدا.                           | گیلکی (لهجه)     | همه.    | همه م. عانی             |
| ل.                              | لازم (فعل)       | هند.    | هندی (زبان)             |
| لا.                             | لاتینی           | هو.     | هوا شناسی               |
| م.                              | م. مدی (فعل)     | هوا.    | هوا پیمایی              |
| م. (پس از اعداد)، میلادی، مسیحی |                  | هی.     | هیئت                    |
| ماز.                            | مازندرانی (لهجه) | یو.     | یونانی                  |

## ۲- جدول تطبیق حروف یونانی و لاتینی با حروف فارسی:

|                         |    |                                                |
|-------------------------|----|------------------------------------------------|
| ز                       | z  | حرف معادل فارسی و زبان‌های دیگر                |
| ژ                       | ž  | ء (همزه، نظیر همزه آخر کلمات)                  |
| س                       | s  | عربی                                           |
| س (نظیر c فرانسوی)      | c  | آ (الف ممدود در خطوطی که حرکات داخل حروف نیست) |
| ش                       | š  | ا فتحه یا زیر                                  |
| ص (نظیر ص عربی)         | s  | ā (الف ممدود)                                  |
| ض (نظیر ض عربی)         | ḡ  | o (ضمه یا پیش)                                 |
| ط (نظیر ط عربی)         | t  | u (او کوتاه)                                   |
| ظ (نظیر ظ عربی)         | z  | ū (او کشیده)، واو معروف                        |
| ع (نظیر ع عربی)         | ʿ  | e (کسره، زیر)                                  |
| ف                       | f  | ē (کشیده)، پای مجهول                           |
| غ (نظیر غ عربی)         | γ  | i (ای کوتاه)                                   |
| ک                       | k  | ī (ای کشیده)، پای معروف                        |
| گ                       | g  | b                                              |
| ل                       | l  | p                                              |
| م                       | m  | t                                              |
| ن                       | n  | θ (مانند ث عربی و th انگلیسی)                  |
| و                       | v  | j                                              |
| ه (ملفوظ)               | h  | č                                              |
| ی (پای اول و پای مشدد)  | y  | h                                              |
| او (دو صوتی، تلفظ قدیم) | aw | x                                              |
| او (دو صوتی، تلفظ جدید) | ow | d                                              |
| ای (دو صوتی، تلفظ قدیم) | ay | ð (مانند ذ عربی و dh انگلیسی)                  |
| ای (دو صوتی، تلفظ جدید) | ey | r                                              |
|                         |    | حرف معادل فارسی و زبان‌های دیگر                |